

گره قدیمی اعتبار مالیاتی باز می‌شود؟

تفاهم‌نامه سه‌جانبه معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری، صندوق نوآوری و شکوفایی و سازمان امور مالیاتی را می‌توان در چارچوب تلاش برای فعال‌سازی یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأمین مالی نوآوری در کشور ارزیابی کرد که اگر چه در قانون جهش تولید دانش‌بنیان پیش‌بینی نشده، اما در مرحله اجرا با چالش‌هایی جدی مواجه بوده است و از طرفی مسئله اصلی اعتبار مالیاتی، فاصله میان قانون‌گذاری و اجرای مؤثر آن است که اکنون با یک توافق بین‌دستگاهی قرار است کاهش یابد.

اعتبار مالیاتی در اقتصادهای مبتنی بر نوآوری، یکی از ابزارهای سیاست‌صنعتی برای تحریک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تحقیق و توسعه محسوب می‌شود و دولت‌ها به جای آنکه مستقیماً منابع عمومی را به شرکت‌ها تخصیص دهند، از طریق کاهش تعهدات مالیاتی، بنگاه‌ها را به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های فناورانه، توسعه محصول، تحقیق و توسعه و ارتقای بهره‌وری تشویق می‌کنند. در واقع، این سیاست تلاش می‌کند نقش دولت را از تأمین‌کننده مستقیم منابع به تنظیم‌گر و تسهیل‌کننده تغییر دهد.

مواد ۱۱ و ۱۳ قانون جهش تولید دانش‌بنیان با همین رویکرد طراحی شده‌اند، اما صرف وجود قانون نمی‌تواند تضمین‌کننده تحقق اهداف آن باشد چراکه ایهام در فرآیند تأیید هزینه‌های تحقیق و توسعه، نگرانی شرکت‌ها از پذیرش نشدن این هزینه‌ها توسط سازمان امور مالیاتی و تفاوت برداشت دستگاه‌های اجرایی، موجب شد بسیاری از ظرفیت‌های قانونی مورد استفاده کامل قرار نگیرد.

تفاهم‌نامه جدید تلاش برای ایجاد یک سازوکار هماهنگ میان نهادهای است که هر کدام بخشی از فرآیند را در اختیار دارند و قاعداً شرکت دانش‌بنیان زمانی می‌تواند از اعتبار مالیاتی استفاده کند که هم پروژه فناورانه آن مورد پذیرش قرار گیرد و هم سازمان مالیاتی آن را به رسمیت بشناسد و نبود هماهنگی میان این دو بخش، عملاً ریسک استفاده از این ابزار را برای بخش خصوصی افزایش می‌دهد.

با این حال، اجرای موفق این سیاست نیازمند عبور از مرحله تفاهم و ورود به مرحله عمل است چه آنکه بسیاری از برنامه‌ها در مرحله طراحی از منطق اقتصادی قابل قبولی برخوردارند، اما در فرآیند اجرا به دلیل بروکراسی، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و نبود شفافیت کافی، از اهداف اولیه فاصله می‌گیرند. بنابراین نکته اصلی پس از امضای تفاهم‌نامه این است که چه تعداد شرکت و چه میزان سرمایه‌گذاری واقعی از این مسیر فعال خواهد شد. یکی از نکات قابل توجه در این طرح، نقش صندوق نوآوری و شکوفایی است و هدایت بخشی از منابع مالیاتی شرکت‌ها به سمت صندوق می‌تواند ظرفیت سرمایه‌گذاری این نهاد در پروژه‌های فناورانه را افزایش دهد، اما موفقیت این مدل وابسته به آن است که منابع به سمت پروژه‌هایی هدایت شوند که دارای توجیه اقتصادی، بازار مشخص و قابلیت تبدیل دانش به محصول باشند و حمایت مالی بدون ارزیابی دقیق اقتصادی، فقط می‌تواند منابع را جابه‌جا کند، نه اینکه ارزش افزوده جدید ایجاد کند.

از سوی دیگر، این سیاست می‌تواند نشانه‌ای تغییر نگاه در نظام تأمین مالی فناوری باشد چراکه در مدل سنتی، دولت تلاش می‌کند از طریق بودجه عمومی از نوآوری حمایت کند، اما در مدل اعتبار مالیاتی، بخش خصوصی در انتخاب مسیر سرمایه‌گذاری نقش بیشتری پیدا می‌کند و این تغییر، در صورت اجرای صحیح، می‌تواند به افزایش کارایی تخصیص منابع منجر شود؛ زیرا بنگاه‌ها معمولاً شناخت دقیق‌تری از نیازهای فناورانه و فرصت‌های بازار خود دارند.

با وجود این، باید مراقب بود که اعتبار مالیاتی به یک ابزار حمایتی محدود برای گروهی خاص تبدیل نشود. لذا شفافیت در انتخاب پروژه‌ها، انتشار گزارش عملکرد، مشخص بودن شاخص‌های ارزیابی و نظارت بر نتایج اقتصادی طرح‌ها، از الزامات موفقیت این سیاست است و در نهایت، تفاهم‌نامه جدید را می‌توان گامی برای حل گره قدیمی دانست، اما باز شدن این گره با نحوه اجرا مشخص خواهد شد تا از یک مزیت روی کاغذ به یک ابزار واقعی و قابل دسترس برای بنگاه‌های فنآور تبدیل شود.

نگارخانه

دست‌بانک‌ملی در جیب مردم

انتقال وجه الکترونیکی از یک خدمت ویژه به بخشی عادی از زندگی روزمره شهروندان تبدیل شده است، به طوری که پرداخت اجاره، تسویه حساب‌های تجاری، خرید کالا و خدمات و دهه‌ها فعالیت اقتصادی همگی بر بستر سامانه‌های بانکی انجام می‌شود و همین فراگیری، مسئولیت بانک‌ها را در تعیین هزینه خدمات افزایش داده است، اما ظاهراً انحصار باعث شده است بانک‌ها به راحتی به جیب مردم دست درازی کنند چه آنکه در یک فقره بانک ملی برای انتقال ۱۰ میلیون تومان مبلغ ۲ هزار و ۷۸۰ تومان کارمزد در یافت می‌کند و همین موضوع نشان می‌دهد نظام کارمزدی بانک‌ها بر مبنایی «سود گروهی بانکی‌ها» تنظیم شده است و نسبتی با عدالت اجتماعی و منطق اقتصادی ندارد.

شور یختانه نظام بانکی در سایه ضعف مدیریت بی‌خدای نکرده شراکت نظارتی، از مزایای گسترش بانکداری الکترونیک بهره برده‌اند و این روزها نیز مراجعات حضوری کاهش یافته و هزینه نگهداری شعب نیز طبعاً سبک‌تر شده است و حتی فراتر از آن بخش مهمی از فرآیندهای عملیاتی به سامانه‌های خودکار سپرده شده و سهم نیروی انسانی در انجام بسیاری از خدمات بانکی به حداقل رسیده است. بنابراین انتظار آن است که بخشی از این صرفه‌جویی به مشتریان منتقل شود و به هر بهانه‌ای به جیب آنها دستبرد زده نشود، اما جهت دیگری پیدا کرده است، به طوری که هر چند وقت یکبار فهرست رنگارنگی از کارمزد‌ها منتشر می‌شود و بار مالی جدیدی بر دوش مردمی قرار می‌گیرد که پیش از این نیز هزینه‌های بانک فراوانی را در بخش‌های مختلف اقتصاد تحمل کرده‌اند.

مدافعان این سیاست معمولاً به هزینه‌های نگهداری زیرساخت اشاره می‌کنند و اصل این استدلال محل اختلاف نیست چراکه هیچ شبکه مالی بدون هزینه اداره نمی‌شود و پایداری سامانه‌های بانکی نیازمند سرمایه‌گذاری مستمر است، اما مسئله از جایی آغاز می‌شود که میان هزینه واقعی خدمت و مبلغ دریافت‌شده ارتباط منطقی وجود ندارد، چراکه انتقال یک میلیون تومان و انتقال ۱۰ میلیون تومان از منظر بردارش سیستمی تفاوت معناداری ندارد، شبکه ارتباطی و سامانه تسویه در هر دو حالت عملیات مشابهی را انجام می‌دهند. لکن هنگامی که هزینه فنی تقریباً ثابت باقی می‌ماند، افزایش کارمزد متناسب با مبلغ تراکنش بیشتر به یک ابزار در آمدزایی شباهت پیدا می‌کند، اگر نگوئیم مسیر جدیدی برای دزدی دست‌اندر کاران بانکی کشف شده است!

نقد اصلی متوجه ساختاری است که در آن مشتری هیچ قدرت چانه‌زنی مؤثری در اختیار ندارد و بازار خدمات بانکی از رقابت واقعی فاصله‌ای نجومی دارد و کاربر ناچار است از همان شبکه‌ای استفاده کند که همه بانک‌ها در حضور دارند و نرخ‌های آن نیز خارج از اراده مشتری تعیین می‌شود. قاعداً در چنین وضعیتی افزایش کارمزد با مقلومت بازار مواجه نمی‌شود زیرا امکان انتخاب جایگزین عملاً وجود ندارد و هزینه جدید به سادگی به مصرف‌کننده منتقل می‌شود و شهروند نیز چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد. رقم ۲ هزار و ۷۸۰ تومان در یک تراکنش شاید ناچیز جلوه کند، اما هنگامی که میلیون‌ها تراکنش مشابه در طول روز انجام شود، جریان درآمدی عظیمی شکل می‌گیرد و بانک‌ها در عمل از انبوه تراکنش‌های خرد درآمدهای کلانی کسب می‌کنند که پرداخت‌کنندگان آن خوارها را فعالان اقتصادی هستند و همین واقعیت، مطالبه شفافیتی را به یک ضرورت تبدیل کرده است و افکار عمومی حق دارد بداند مبنای محاسبه این رقم چیست و چه سهمی از آن صرف توسعه زیرساخت‌ها می‌شود و چه سهمی در صورت‌های مالی بانک‌ها به عنوان درآمد ثبت می‌شود.



۴ گزارش یک
۲ بینار قاسمی

آب تهران به شرط «مصرف بهینه» نوبت‌بندی نمی‌شود

با وجود آغاز سال آبی خشک، بارش‌هایی که در اواخر اسفند سال قبل، فروردین و اردیبهشت اسفال رخ داد و همین‌طور با همسگاری مردم، هم‌اکنون سدها ۱۶۰ میلیون مترمکعب پیشتر از مدت مشابه سال گذشته آب ذخیره دارند، اما شرایط سفروه‌های زیرزمینی همچنان خوب نیست. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران از افزایش همکاری مردم در مصرف آب خبر داد و گفت: تا کنون هیچ برنامه‌ای برای نوبت‌بندی قطع آب نداریم و پیش‌بینی می‌کنیم با همسگاری مردم در ماه‌های پیش رو مشکلی در تأمین آب وجود نداشته باشد.

■ ■ ■

بحران آب در تهران یک چالش دیرینه است که از دهه ۲۰ تاکنون ادامه داشته و به دلیل عدم تعادل بین منابع آبی و جمعیت، تشدید شده است. حتی حمایت‌های مالی بانک‌های جهانی برای بازچرخانی فاضلاب نیز نتوانسته به طور کامل این بحران را حل کند. تهران با داشتن ۱ درصد از مساحت کشور و ۲۰ درصد از جمعیت، با کمبود شدید منابع آبی مواجه است و این ناترازی جمعیتی باعث شده تا ذخایر آبی به سرعت کاهش یابد. این ناترازی در حالی است که صد درصد آب کشورهای حاشیه خلیج فارس بازچرخانی می‌شود و حتی مورد آشامیدن قرار می‌گیرد. این کشور‌ها به دلیل منابع آب شرب محدود با مدیریت بهینه مصرف آب، بحران کم‌آبی و خشکی را برطرف کردند. در حالی که در ایران با داشتن بارش‌های مطلوب و منابع آبی غنی، با بی‌توجهی به مدیریت منابع آب، در گیر بحران کم‌آبی و خشکسالی شده است. به عقیده کارشناسان، یکی از اصلی‌ترین مسائل در بروز چنین شرایطی علاوه بر کاهش بارش‌ها و بی‌توجهی به آمایش سرزمینی، مصرف بی‌رویه آب و عدم پیش‌بینی آینده و ضعف در مدیریت منابع است که نمی‌توان به راحتی از آن عبور کرد. به رغم اینکه در سال آبی جاری (اواخر اسفند سال قبل، فروردین و اردیبهشت اسفال) بارش‌های خوبی داشتیم، اما پایتخت همچنان مشکل تأمین آب دارد. کنشگران معتقدند اگر مردم همراهی به صرفه‌جویی نکنند، نیازی به جیره‌بندی آب نیست. این اظهارات در حالی است که به گزارش سازمان هواشناسی، گرمای هوا تا ۲۰ مرداد ادامه دارد و مردم باید صرفه‌جویی در مصرف را جدی بگیرند.

خبرهای رسیده حاکی از آن است که در روزهای گذشته، برخی مناطق در اسستان تهران دچار قطعی آب شده‌اند. بررسی علت این اتفاق نشان داد، با وجود اینکه شرایط سدهای استان تهران نسبتاً بهتر از پارسال است، اما با شروع قطعی‌های برق و به دنبال آن اختلال در شبکه توزیع آب، مصرف مخازن ذخیره آب افزایش پیدا کرده و برخی مواقع فرصت کافی برای بر شدن مخازن وجود ندارد. همچنین قطعی برق باعث آسیب به پمپ‌های شبکه توزیع آب شده و وارد مدار کردن این

بانک‌ها در سیستم مالی کار کردی اساسی دارند؛ آنها باید واسطه‌گر وجوه باشند؛ سپرده‌های مازاد را جذب و آن را به سرما به‌گذاری‌های مولد و سودآور هدایت کنند. این فرآیند تخصیص بهینه سرمایه، موتور اصلی رشد اقتصادی محسوب می‌شود. با این حال، هنگامی که شبکه بانکی به سمت بنگاهداری حرکت می‌کند یعنی مالکیت و اداره شرکت‌های غیربانکی، درگیر شدن در نگهداری حجم وسیعی از املاک و مستغلات و پروژه‌های زیرساختی نیمه‌تمام، ترازنامه‌های آنها با دارایی‌های غیرنقدی شسته‌اند، کم‌بازده و دشوار برای فروش پر می‌شود. این پدیده، کسه در اقتصادهای بانک‌محور نظیر کشورمان مشهود است. نه تنها آزار بی‌عملیاتی بانک‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه اثرات مخرب عمیقی بر اقتصاد بر جای می‌گذارد. جدیدترین گزارش‌های منتشر شده از بانک مرکزی نشان می‌دهد ۶۷۰۰ ملک مسکونی در تملک شبکه بانکی است و از این تعداد بیشترین سهم به بانک‌های تجارت، سپه، رفاه، ملی و اقتصادنوین اختصاص دارد. ■ ■ ■

رئیس سازمان امور مالیاتی روز دوشنبه در نامه‌ای به بانک‌ها اعلام کرد که همه املاک مازاد بانک‌ها بدون توجه به زمان تملک آنها مشمول مالیات هستند و بانک‌ها فقط تا پایان سال ۱۴۰۵ برای واگذاری این دارایی‌ها فرصت دارند. طبق آمار بانک مرکزی در حال حاضر بانک‌ها در مجموع بیش از ۶۷۰۰ ملک مسکونی در اختیار دارند که برخی از آن‌ها به عنوان منزل سازمانی در حال استفاده است. این تعداد املاک به غیر از ساختمان‌های اداری، تجاری، باغ و زمین‌های است که این بانک‌ها در اختیار دارند. برخی از کارشناسان اگر چه در کلیات موضوع کاهش بنگاهداری بانک‌ها اتفاق نظر دارند، معتقدند که اصل این ماجرا دلایل ریشه‌ای دارد و به گفته آنها انتظار برای فروش یک‌شبه اموال و مستغلات ریسک جدی دارد. کارشناسان بر این باورند که ریشه اصلی بنگاهداری بانک‌ها به سیاست‌های دستوری در تعیین نرخ سود بانکی بازمی‌گردد. در واقع، از زمانی که نرخ سود بانکی بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی و نرخ تورم تعیین شد، بانک‌ها برای جبران کاهش ارزش منابع خود و حفظ



امسال با وجود افزایش ذخایر سدها نسبت به سال قبل، گرمای هوا هم بیشتر شده به گونه‌ای که شب‌ها شاهد استفاده بیشتر از کولرهای آبی هستیم. تا کنون هیچ برنامه‌ای برای نوبت‌بندی قطع آب نداریم و پیش‌بینی می‌کنیم با همکاری مردم در ماه‌های پیش رو مشکلی در تأمین آب وجود نداشته باشد

پمپ‌ها زمان می‌برد. از این رو، با توجه به اینکه در ماه پیش رو گرم‌ترین روزهای سال را داریم، ضروری است که مردم در مصرف آب و برق صرفه‌جویی کنند. **مشترکان خانگی مصرف را مدیریت کنند** سخنگوی آبنای استان تهران با اشاره به مدیریت‌های پنهان آب در بخش خانگی، می‌گوید: برای تأمین هر قطره آب شرب، مسیر طولانی و پرهزینه‌ای طی می‌شود به گونه‌ای که آب پس از ذخیره در سدها، انتقال از فواصل طولانی و سه ساعت فرآیند تصفیه در تأسیسات تخصصی و عبور از بیش از ۲۲ هزار کیلومتر



سرویس اقتصادی۴۰۶۰۸۵۲۳

آب تهران به شرط «مصرف بهینه» نوبت‌بندی نمی‌شود

آمار مشترکان خوش‌مصرف در سه ماهه ابتدایی امسال نسبت به سال قبل، از ۲۹ درصد به ۵۴ درصد و مشترکان بسیار پر مصرف از ۸ درصد به ۲ درصد رسیده است و باقی مشترکان در گروه پر مصرف‌ها قرار می‌گیرند



تنها با پنج دقیقه کاهش زمان استحمام، بین ۷۰ تا ۱۰۰ لیتر آب صرفه‌جویی می‌شود و وقتی این عدد در تعداد اعضای خانواده و جمعیت شهر ضرب شود، حجم سیار بزرگی از منابع آبی حفظ خواهد شد. وی در ادامه نسبت به هدررفت آب از طریق فلاش‌تانک‌ها و تجهیزات بهداشتی هشدار داده و می‌گوید: فرسودگی و اشرهای آب‌بندی فلاش‌تانک‌های خانگی به عنوان سارقان پنهان و بی‌صدای آب، ضمن هدر دادن روزانه ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ لیتر آب، موجب میلونی شدن قبض‌های آب می‌شود که لازم است شهروندان به طور دوره‌ای این تجهیزات را بررسی و در صورت نیاز تعمیر کنند.

بخشی در ادامه با اشاره به نقش تجهیزات کاهنده مصرف به عنوان یکی از روش‌های مؤثر مدیریت مصرف آب، می‌افزاید: استفاده از کاهنده‌های مصرف، بین ۲۰ تا ۳۰ درصد در مصرف آب و امکان کاهش ۴۰ تا ۵۰ درصدی هزینه قبض آب را با تبدیل مشترک پر مصرف به مشترک خوش‌مصرف فراهم می‌کند.

■ **مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب: جیره‌بندی آب نداریم**

علیرضا جزقاسمی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران در خصوص وضعیت سدهای اطراف پایتخت می‌گوید: اگر بخواهیم آب شرب مردم استان تهران به صورت عادی تأمین شود، در ابتدای سال آبی (ابتدای مهر هر سال) باید پشت پنج سد استان تهران

شبکه آبرسانی، در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد و شایسته است که به درستی مصرف شود. بخشی می‌افزاید: بسیاری از شهروندان نسبت به چکه کردن شیر آلات بی تفاوت هستند، در حالی که یک شیر آب با نشتی جزئی و چکیدن حدود ۶۰۰ قطره در دقیقه، ماهانه معادل یک‌هزار و ۲۰۰ بطری نیم‌لیتری آب را هدر می‌دهد. به گفته سخنگوی آبنای تهران، میزان هدررفت آب از ۱۰۰ لیتر معیوب می‌تواند ۱۲۰ هزار نفر یعنی به میزان گنجایش کامل تماشگران ورزشگاه بزرگی نظیر آزادی را از آب شرب محروم سازد.

پنجم بخشی با بیان اینکه مدیریت مصرف باید به همه‌ی بخش‌های عمومی تبدیل شود، تأکید می‌کند: در سال‌های گذشته بیشتر از واژه «صرفه‌جویی» استفاده می‌کردیم، اما امروز باید از «مصرف هوشمندانه و منصفانه» سخن گفت چراکه شرایط اقلیمی تغییر کرده و هم‌اکنون مسکن‌دزدی خود را متناسب با واقعیت‌های تعیین شده است و این فاصله ۶۵ لیتری، نشان می‌دهد که هنوز ظرفیت قابل توجهی برای کاهش مصرف و مدیریت بهتر منابع آبی وجود دارد.

وی کاهش مدت زمان استحمام را یکی از راهکارهای ساده و مؤثر در مدیریت مصرف آب دانسته و می‌گوید:

یاغی‌گری بانک‌های بنگاه‌دار ۶ هزار و ۷۰۰ ملک مسکونی در تملک شبکه بانکی است



است، بلکه در افزایش قیمت مسکن و زمین نیز نقش مؤثری دارد. حسام عقباپی، رئیس پیشین اتحادیه املاک، پیش‌تر یکی از دلایل مهم نابساامانی بازار مسکن را ورود بانک‌ها به سوداگری مسکن عنوان کرد و گفت: متأسفانه برخی بانک‌ها باهدف کسب سود بیشتر، اقدام به خرید املاک خاص با قیمت‌های بالاتر از نرخ متعارف می‌کنند و حتی واحدهایی را که خود می‌سازند، با قیمتی بیش از نرخ منطقه‌ای به فروش می‌رسانند. تحلیل این بانک‌ها آن است که چون فروشنده، یک نهاد حقوقی معتبر و دارای پشتوانه بانک‌ها حق ندارد در تولید یا خریدوفروش مسکن کند و تصریح کرد: این رفتارها نه تنها تخلف از قانون بانکداری است، بلکه در افزایش قیمت مسکن و زمین نیز نقش مؤثری دارد. بانک‌ها با ورود به این حوزه و با انگیزه افزایش سرمایه و عایدی، عملاً به یکی از عوامل اصلی سوداگری و گرانی مسکن تبدیل شده‌اند.

■ **بانک‌ها با کنار گذاشتن بنگاهداری به حامی واقعی تولید تبدیل شوند**

بنگاهداری بانک‌ها در کشور، از یک مسئله در سطح بنگاهی فراتر رفته و به یک چالش ساختاری و کلان

حدود ۸۵۰ میلیون مترمکعب آب ذخیره باشد، اما به دلیل بیش از پنج سال خشکسالی متوالی در ایران، ابتدای سال آبی فعلی یعنی مهر ۱۴۰۴، سدها فقط ۲۵۰ میلیون مترمکعب آب داشتند.

وی در پاسخ به این سؤال که با وجود چنین آماری در حال حاضر شرایط تأمین آب چگونه است، می‌افزاید: با وجود آغاز سال آبی خشک، بارش‌هایی که در اواخر اسفند سال قبل، فروردین و اردیبهشت اسفال رخ داد و همین‌طور با همکاری مردم، هم‌اکنون سدها ۱۶۰ میلیون مترمکعب بیشتر از مدت مشابه سال گذشته آب ذخیره دارند، اما شرایط سفره‌های زیرزمینی همچنان خوب نیست. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران اظهار می‌دارد: امسال با وجود افزایش ذخایر سدها نسبت به سال قبل، گرمای هوا هم بیشتر شده به گونه‌ای که شب‌ها شاهد استفاده بیشتر از کولرهای آبی هستیم. تا کنون هیچ برنامه‌ای برای نوبت‌بندی قطع آب نداریم و پیش‌بینی می‌کنیم با همکاری مردم در ماه‌های پیش رو مشکلی در تأمین آب وجود نداشته باشد.

جزقاسمی از افزایش همکاری مردم در مصرف آب خبر داد و گفت: آمار مشترکان خوش‌مصرف در سه ماهه ابتدایی امسال نسبت به سال قبل، از ۲۹ درصد به ۵۴ درصد و مشترکان بسیار پر مصرف از ۸ درصد به ۲ درصد رسیده است و باقی مشترکان در گروه پر مصرف‌ها قرار می‌گیرند.

■ **موج‌های گرما تا ۲۰ مرداد ادامه دارد**

به گزارش تسنیم، احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی از تداوم موج‌های گرما خبر داده و می‌گوید: از منظر اقلیمی، کشور تا پایان مرداد با موج‌های گرما مواجه خواهد بود، هرچند در برخی سال‌ها به دلیل بروز ناهنجاری‌های اقلیمی، این شرایط ممکن است تا شهر پور نیز ادامه یابد. به طور معمول از حدود ۲۰ مرداد به بعد شدت گرما به تدریج کاهش می‌یابد، اما این به معنای افت ناگهانی دما نیست و برای اطلاع از وضعیت دقیق، باید پیش‌بینی‌های روزانه و کوتاه‌مدت سازمان هواشناسی را دنبال کرد. وی با اشاره به بارندگی‌های مناسب بهار امسال می‌افزاید: بارش‌های بهاره باعث شد افزایش دما و آغاز گرمای شدید نسبت به سال‌های گذشته با تأخیر همراه شود. در نتیجه، ورود کشور به فصل گرم دیرتر از سال گذشته اتفاق افتاد که این موضوع در کاهش مصرف انرژی از جمله دیرتر روشن شدن سامانه‌های سرمایشی نیز مؤثر بود.

وی در عین حال درباره وضعیت منابع آبی استان‌های مرکزی مستقیم به فعالیت‌های اقتصادی و بنگاهداری، قزوین، مرکزی، قم و سمنان همچنان با کمبود بارش روبه‌رو هستند. اگرچه وضعیت نسبت به سال گذشته اندکی بهبود یافته، اما در استان تهران میزان بارندگی رونق تولید و سرمایه‌گذاری، زمینه‌ساز افزایش سودآوری بانک‌ها و تقویت اقتصاد ملی نیز فراهم خواهد شد.

بهرز مجبی نجم‌آبادی افزود: بانک‌ها باید به جای ورود مستقیم به فعالیت‌های اقتصادی و بنگاهداری، به عنوان حامی و شریک واقعی بخش خصوصی ایفای نقش کنند. مشارکتی که واقعی باشد، نه یک سویه و صرفاً در قالب پرداخت تسهیلات، در چنین شرایطی، بانک‌ها می‌توانند با تخصصی و حمایت بالاتر از عرضه دارای مزیت اقتصادی، زمینه رشد تولید و افزایش سرمایه‌گذاری را فراهم کنند. عضو هیئت رئیسه کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ادامه داد: بانک‌ها با نظارت دقیق بر طرح‌های اقتصادی و مشارکت در فعالیت‌های مولد، ضمن ارائه تسهیلات مناسب به فعالان اقتصادی، می‌توانند سودهای قابل توجهی نیز برای مشتریان خود ایجاد کنند. این نماینده مجلس تأکید کرد: اصلاح رویکرد بانک‌ها و حرکت از تولید، رشد صادرات، ایجاد اشتغال، تقویت ارزش پول ملی و تحقق اهداف کلان اقتصادی کشور، از پیش‌وی برای کاهش بنگاهداری شبکه بانکی، باید واگذاری دارایی‌های مازاد با پایش بر خط، شفافیت عمومی، زمان‌بندی مشخص، مشقوش‌های فروش و جرایم بازدارنده اجرا شود. همچنین همانند بسیاری دیگر از مسائل اقتصادی که ریشه‌هایی آن از اهمیت زیادی برخوردار است، سیاستگذار نباید در کنار اقدام برای کاهش بنگاهداری بانک‌ها، با اصلاحات ساختاری انگیزه بنگاهداری آنها را کاهش داده و بانک‌ها را برای حرکت در مسیر اصلی خود یعنی تجهیز منابع و تأمین مالی تولید ترغیب کند.